

بنام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برگزارد

خمر سرخ

نویسنده : علی اصغر مقدم

انتشارات فرزین

سروشنامه : مقدم، علی اصغر، ۱۳۳۸-
عنوان و نام پدیدآور : خمروسرخ / نویسنده علی اصغر مقدم.
مشخصات نشر : تهران، فرزین، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۲۱۶ ص، مصور.
شابک : ۳۰۰۰۰ ریال، ۴-۲۷-۱۷-۵۰۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : کمونیست‌ها - کامبوج
موضوع : کامبوج - تاریخ -- ۱۹۷۹-۱۹۷۵ م.
موضوع : کامبوج - سیاست و حکومت
رده‌بندی کنگره : ۸۷/۸/۵۵۴FDS ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی : ۶۰۴۲/۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۷۸۳۲۲



فرزین
انتشارات فرزین

خمروسرخ

نویسنده : علی اصغر مقدم
حروفنگاری و صفحه‌آرایی : سیده غیائی
اجرای جلد : طرح یسنا
ناظر فنی : بهنام یوسفی
چاپ و صحافی : طیف‌نگار
شمارگان : ۱۵۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۰
بها : ۳۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-5017-27-4

شابک: ۴-۲۷-۱۷-۵۰۶۰۰-۹۷۸

انتشارات فرزین: خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دانشگاه، شماره ۱۷۴

تلفن فروشگاه: ۰۶ ۲۴ ۴۶ ۶۶

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۳	ویتنام و جنگهای هندوچین
۲۵	کامبوج، سیهانوک و لون نول
۳۹	خمر سرخ
۹۱	پل پوت
۱۴۳	سران دیگر رژیم جهنمی
۱۵۱	جنگ ویتنام و کامبوج و سقوط خمر سرخ
۱۶۱	گزارش هایی از فجایع
۱۷۷	تلاش برای محاکمه جنایتکاران
۱۹۳	کامبوج کنونی

علاقه‌مندان به شناخت تاریخ قرن بیستم، که من نیز یکی از آنانم، احتمالاً در مطالعات خود، مطالبی در مورد حکومت گروهی به نام خمر سرخ و رهبرشان پل پوت در کامبوج خوانده‌اند که عمدتاً به جنایات و درنده‌خویی آن‌ها اشاره می‌کرده است. البته سرکوب و جنایات سیاسی در کشورهای جهان سوم و خصوصاً در انقلابات آن‌ها معمولی و عادی است ولی دربارهٔ فجایع و جنایات ارتكابی خمر سرخ آنچه گفته می‌شود بی سابقه است و نظیر ندارد. کارهای آن‌ها علیه تمام مردم کشور از جمله قتل عام میلیونی، تخریب کلی اقتصاد و بنیان‌های اجتماعی، از بین بردن خانواده و روابط عاطفی، نابودی مظاهر تمدن، تخلیهٔ شهرها و کشتار متخصصین، پزشکان، معلمین و ... نشان می‌دهد که در مجموعه جورواجور انقلاب‌ها و انقلابیون، این گروه انقلابی رادیکال که خود را کمونیست می‌دانست، تافتهٔ جدا بافته است.

در مورد انقلاباتی که با برچسب کمونیسم (حال یا واقعاً کمونیست بودند یا از شهرت انقلابی آن استفاده می‌کردند) در قرن بیستم سر برآوردند، خودی نشان دادند و نیز در همان قرن تقریباً بیشتر آن‌ها، از بین رفته یا از نفس افتادند مطالب زیادی منتشر شده است. دربارهٔ علل پیدایش آن‌ها، چگونگی قدرت گرفتن، عملکردشان در حکومت و عواقب و نتایج آن و نیز تغییر ماهیت دادن یا فروپاشی آن‌ها، بسیار نوشته شده و می‌شود و آثار قابل توجهی با اتکا به منابع تازه به خوانندگان عرضه می‌گردد. خصوصاً در مورد انقلاب‌ها و انقلابیون بزرگ که عموماً شهرت شومی هم دارند مثل انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه یا انقلاب چین یا لنین، استالین، تروتسکی، مائو و

وقایعی مثل جنگ‌های داخلی روسیه، محاکمات نمایشی مسکو و تصفیه‌های استالینی، بهار پراگ و انقلاب فرهنگی چین نیز معروف هستند.

برآورد شده است که کمونیسم یا آنچه به نام کمونیسم اعمال شده، در قرن بیستم باعث مرگ یک صد میلیون نفر شده که قاعدتاً سهم عمدهٔ تلفات مربوط به چین و شوروی است. سرانجام در پایان قرن بیستم، فروپاشی شوروی و کنار رفتن کمونیست‌ها از حکومت در کشورهای اقماری و برخی کشورهای دیگر و پیشروی دموکراسی چهرهٔ جهان را تغییر داد. جنگ معروف سرد تمام شد و مناقشات جدیدی ظهور کرد.

خانم تاجر نخست وزیر وقت انگلستان در هنگام سرنگونی پی در پی حکومت‌های کمونیستی گفت: «کمونیست‌ها می‌خواستند در کشورهای ما انقلاب به راه اندازند ولی ما در کشورهای کمونیستی انقلاب بر پا کردیم.»

چرا هنگامی که از کمونیسم، نازیسم، فاشیسم و امثال آن‌ها سخن به میان می‌آید بلافاصله عدم تحمل سیاسی و سرکوب نه تنها مخالفان بلکه دگراندیشان هم، تداعی می‌گردد؟ نگاهی به خشونت و اشکال آن نشان می‌دهد آبشخور اصلی خشونت سیاسی انقلاب فرانسه است که در آن خشونت، به ویژه توسط ژاکوبنها و روبسپیر وسیعاً اعمال و نیز مورد تقدیس واقع شد.

انقلابیونی مثل باکونین، ژرژ سورل و اشتیرنر نیز اعمال خشونت را برای سرنگونی سرمایه‌داری مجاز دانستند. مارکسیسم هم بر آن صحنه گذاشت و مارکس به دنبال شکست کمون پاریس دو علت عمده شکست را به این ترتیب بیان کرد:

۱. طبقه کارگر نمی‌باید بر دولت بورژوازی فقط استیلا می‌یافت، بلکه باید آن را خرد و نابود می‌کرد تا امکان تسلط مجدد بورژواها را بر آن از بین ببرد.

۲. طبقه کارگر باید دولت انقلابی خود (دیکتاتوری پرولتاریا) را به وجود می‌آورد و این دولت بایستی از همه ابزارهای سرکوب مقاومت‌های ضد انقلابی بهره‌مند می‌بود.

البته تا وقتی نظریه پردازان انقلابی مثل مارکس در صفحات کتاب و در بحث و جدل‌های سیاسی بی‌پایان، طبقات را نابود می‌کردند یا به قدرت می‌رساندند، مشکلی نبود ولی هنگامی که لنین، استالین، مائو و امثال آن‌ها با برداشت خاص خود، این منازعات را به صحنه اجتماع آوردند فجایع به بار آمد. این جمله وحشتناک استالین، نمونه برجسته خشونت سیاسی، به اندازه کافی گویاست: «مرگ یک میلیون نفر، صرفاً آمار است.»

البته باید پذیرفت که حکومت‌های کمونیستی متفاوتی هم بوده‌اند که مصائبی به مراتب کمتر به وجود آورده‌اند. به طور مثال پنوم پن پایتخت کامبوج و سایگون پایتخت ویتنام جنوبی به ترتیب توسط دو گروه کمونیستی خمر سرخ و ویت کنگ همزمان سقوط کردند. در کامبوج خمرهای سرخ ارتباط کشور را با جهان خارج قطع کردند و حمام خونی به راه انداختند که بی‌سابقه بود. آن‌ها حتی زنان افسران حکومت قبلی را همراه شوهرانشان اعدام می‌کردند و می‌گفتند این زن‌ها نیز مانند همسرانشان گناهکار هستند.

در حالی که ویت کنگ‌ها پس از پیروزی و مجازات تعدادی از سران حکومت پیشین، ارتباط کشور را با جهان خارج برقرار کردند، عفو عمومی دادند و از همه مردم، فارغ از تمایزات نژادی، مذهبی و عقیدتی و نیز سرمایه‌گذاران خارجی برای بازسازی کشور دعوت کردند. زندگی روال عادی یافت و کارگران و کارمندان به سر کارهای خود بازگشتند. لذا عده‌ای از محققین ضمن پذیرش اینکه در مارکسیسم زمینه مناسب برای بروز خشونت مهیاست، معتقدند در نهایت آنچه عملکرد حکومتی بر مبنای این ایدئولوژی را شکل می‌دهد ترکیب

پیچیده‌ای است شامل مشخصات تاریخی، قومی و فرهنگی جامعه، اوضاع بین‌المللی، درجه آگاهی مردم، رشد سیاسی و مبارزات احزاب و گروه‌ها، خصوصیات ذاتی و اکتسابی رهبران. آن‌ها می‌گویند مثلاً رفتار خشونت بار استالین در حکومت، کمترین رنگ و بوی ایدئولوژیکی را داشته و عمدتاً مبتنی بر انگیزه کسب قدرت مطلق و بی‌حد و حصر بوده است. استالین و هیتلر و کسانی مانند آن‌ها قدرت طلبانی جبار و ظالم بوده‌اند که در کنار سایر امکانات از محمل ایدئولوژی هم استفاده می‌کرده‌اند.

پیدایش و عملکرد حکومت‌هایی مثل شوروی دهه ۱۹۳۰ و آلمان نازی، نظریه پردازان سیاسی را به شناخت و تبیین گونه نوظهوری از دولت رساند که توتالیتار نام گرفت. دکتر ناصر فکوهی درباره توتالیتاریسم چنین می‌گوید:

«دولت توتالیتار به تملکیت طلب شکل جدیدی از دولت است که در قرن بیستم ظهور کرد و مدل‌های تاریخی آن را می‌توان در دولت استالینی و دولت هیتلری مشاهده کرد. پیدایش این شکل دولتی که تبلوری از خادترین اشکال خشونت، بی‌عدالتی و بی‌رحمی اجتماعی است در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم یعنی در شرایطی که بسیاری از اندیشمندان در انتظار پیدا شدن جوامع عادلانه‌تر و برابرگراتر بودند ضربه فرهنگی بزرگی به اروپا و نظریه پردازان فلسفه سیاسی وارد کرد و از آن زمان تا امروز متفکران در آثار سیاسی بسیاری برای روشن کردن دلایل و پیامدهای ظهور این شکل خاص دولت تلاش نموده‌اند...»

ایدئولوژی توتالیتاریستی یک جامعه توده وار به وجود می‌آورد که جانشین جامعه مدنی می‌گردد. توده وار بودن جامعه توتالیتار به آن دلیل است که همه افراد و گروه‌ها و نهادها بر اساس یک محور ایدئولوژیک شکل گرفته و سازمان یافته‌اند.

هانا آرنست فیلسوف و ویلهلم رایش روانشناس که هر دو آلمانی هستند نیز ضمن تشریح این فرآیند توده وار شدن جامعه، دولت توتالیتار را نوعی پاسخ مثبت به امیال فروخورده توده‌هایی می‌دانند که حاضرند به هرگونه خشونتی به سادگی تن در دهند تا از فشار و اضطراب ناشی از خلأ هویتی خود نجات یابند.

دولت توتالیتار با استفاده از این فرایند می‌تواند سازماندهی خاصی به جامعه بدهد که مهم ترین مشخصات آن به قول ریمون آرون جامعه‌شناس فرانسوی عبارتند از انحصار فعالیت سیاسی در دست یک حزب واحد، تحمیل یک ایدئولوژی رسمی از سوی حزب حاکم به عنوان حقیقت مطلق و به انحصار درآوردن تمامی فعالیت‌های اقتصادی و حرفه ای در دست دولت.

... توتالیتریزم نوع خاصی از خشونت سیاسی را برای تداوم بخشیدن به خود به اجرا در می‌آورد، به این شکل که در آن بیش از آنکه بر به نمایش گذاشتن اجرای خشونت تأکید شود بر امکان بالقوه اعمال خشونت تأکید می‌شود.

همه افراد در همه رده‌ها باید به این نکته واقف باشند که در هر لحظه‌ای امکان دارد طعمه خشونت سیاسی شوند. برای این کار خشونت اغلب به صورت گزینشی اما به ظاهر تصادفی عمل می‌کند تا ترس به صورت عمومی و همیشگی درآید. ابزار خشونت دولتی شامل سرکوب‌های فیزیکی تنش‌های اجتماعی و سیاسی مثل تظاهرات، اعتصابات و تحصن‌هاست و نیز زندان یعنی سلب آزادی مخالفان که قدمتی به عمر حکومت‌ها دارد و همچنین تبعید. وسیله دیگر اعمال خشونت، شکنجه است که رفتاری خاص انسان است و در هیچ جانوری دیده نمی‌شود.

اعدام و نسل‌کشی نیز ابزار خشونت سیاسی هستند که تظاهر خارجی دومی عموماً به صورت کشتار گسترده پیروان یک قومیت، یک دین، یا ایدئولوژی خاص و یا یک ملت مشاهده می‌شود...^۱

اکنون نظرات کسانی که اعمال خشونت سیاسی را علیه طبقات جامعه تئوریزه کرده و مجاز می‌دانستند طرفدار علنی زیادی ندارد و هیولاهایی مانند استالین و هیتلر را باید در کتابهای تاریخی یافت. اما همانطور که جرج سانتایانا فیلسوف آمریکایی خاطر نشان کرده است آن‌هایی که از تجارب (تلخ) گذشته درس نگیرند محکوم هستند که در آینده آن را تکرار کنند.

با عنایت به این مطالب مختصر در مورد سابقه سیاسی در نظر و عمل در تاریخ مدرن، وقتی که به رژیم خمر سرخ توجه شود می‌بینیم که پدیده خمر سرخ و عملکردشان در مقولات شناخته شده نمی‌گنجد. حکومت آن‌ها در چارچوب دولت توتالیتر قرار نمی‌گیرد که تا به حال به عنوان نقطه اوج دولت‌های مستبد و ستمگر مطرح شده است.

در توتالیتریزم اتفاق نیفتاد که:

«دکترها، مهندسين، معلمين، پيشه وران، ... فقط به علت حرفه شان کشته شوند و داشتن سواد جرمی مستوجب مجازات باشد.

شهرها به زور تخلیه شوند، افراد روستایی بی‌سواد و خشن بر شهری‌های متمدن مسلط شوند. شهرنشینان، به کار اجباری کشاورزی، باجیره‌ای بخور و نمیر، گمارده شوند و اگر کسی از این بردگان قرن بیستمی برای رفع گرسنگی یک ماهی صید کند به جرم دزدی از

۱ - خشونت سیاسی نوشته دکتر ناصر فکوهی، ناشر پیام امروز، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۱۰۸ - ۱۳۱.

اموال عمومی محکوم به مرگ شود. در ابعاد ملی بنیان خانواده را نابود و کودکان را از والدین جدا کنند. همه مذاهب ریشه کن شوند و مجازات روحانی بودن، اعدام باشد. بانک‌ها منفجر شوند و پول منسوخ گردد. ماشین‌های سواری و موتور سیکلت‌ها به عنوان مظاهر زندگی کاپیتالیستی منهدم شوند و دست فروشی خیابانی به نام بورژوا دستگیر و کشته شود...»

خمرهای سرخ، مسلح به یک ایدئولوژی شیطانی با انگ مارکسیسم و مائوئیسم، با بشریت و جامعه متمدن سر ستیز داشتند و با تمام وجود تلاش کردند که همین دنیا را برای کامبوجی‌ها تبدیل به جهنم کنند.

می‌توان گفت آن‌ها روان پریشانی درنده خوبوند که در ۱۹۷۵، دوران جنگ سرد و در فرصتی غریب بر مردمی جنگ زده و بدبخت مسلط شدند تا سرانجام در ۱۹۷۹ و هنگامی که ملتی در شرف از بین رفتن بود، اپوزیسیون پناه گرفته در ویتنام با کمک تعیین کننده و موثر نیروهای این کشور، کامبوج را آزاد کردند و مردمی را که کمتر نشانه‌ای از حیات انسانی و اجتماعی داشتند و شیخ مانند بودند از شر خمرهای سرخ و پل پوت نجات دادند. در دوره‌ای حدوداً ۴ ساله، پل پوت ارتباط کامبوج را با دنیای خارج قطع کرده بود و در حالی که به همسایگان جنگ و دندان نشان می‌داد و حمله می‌کرد تنها با چین که از او حمایت می‌کرد رابطه داشت.

بعضی اوقات اخباری محدود از کامبوج در رسانه‌ها منتشر می‌شد که از مصائب مردم حکایت می‌کرد. منابع این اخبار گاهی دیپلمات‌ها و بیشتر انبوه آوارگانی بودند که به تایلند می‌گریختند.

نیمه دهه ۱۹۷۰ و دوران جنگ سرد بود. پیش بینی هراس آلود غرب از افتادن ویتنام جنوبی و کامبوج به ورطه کمونیسم با سقوط پنوم پن به دست خمر سرخ و سایگون توسط ویت کنگ‌ها تحقق یافته بود. ظاهراً دیگر دلیلی برای توجه به کامبوج نبود و هفته‌ای قبل از پیروزی خمر سرخ، فورد، رئیس جمهور وقت آمریکا، گفت که آمریکا از کامبوج دست شسته است.

پل پوت که قبلاً از «فرصت طلایی» بمباران کامبوج توسط آمریکا و کشته شدن صدها هزار تن از مردم، برای جهت دادن به آزردگی و خشم آنان به هواداری از خمر سرخ، افزایش تعداد پارتیزان‌های خود و در نهایت کسب قدرت استفاده کرده بود، اکنون نیز از بی توجهی آمریکا و غرب بیشترین بهره را برد و فارغ البال اندیشه‌های افراطی‌اش را به اجرا گذاشت.

او کامبوج را تبدیل به زندانی بزرگ کرد که در آن ملتی اسیر بودند، شکنجه می شدند و با قحطی، کار شکنجه مانند و کشتار همگانی به هلاکت می رسیدند. دنیا پل پوت را محکوم نمی کرد و او در سازمان ملل صاحب کرسی بود. اخبار اندکی از تراژدی کامبوجی ها به خارج درز می کرد و کسی به فکر کمک به این مردم بی پناه نبود. کامبوج از یادها رفته بود و به ندرت نامی از این کشور و مردمش در اخبار بده می شد.

نگاهی به اخبار اصلی رسانه ها در آن دوران، اکثراً این عناوین را نشان می دهد: مبارزات انتخاباتی آمریکا، شکست فورد، پیروزی کارتر و مطرح شدن حقوق بشر، جنگ های لفظی بین مصر و لیبی، عراق و سوریه و نیز کاستروی کمونیست علیه آمریکا، جنگ های فرقه ای لبنان، آتش بس های مکرر و تلاش های نافرجام برای صلح. تنش های مرزی هند و پاکستان و کودتای بنگلادش، مشکلات سیاسی ذوالفقار علی بوتو، کودتای ضیاء الحق و بازداشت بوتو.

لاف زنی های وحشت انگیز ایدی امین و نمایش های سرگرم کننده او برای خبرنگاران غربی.

حوادث رودزیا و تلاش مردمی که مبارزه می کردند تا کشورشان (زیمبابوه فعلی) را به موگابه بپارند و او از هم پاشیده ترین اقتصاد دنیا و رکورد تورم چند صد هزاره را به همراه فساد سیاسی و اختناق، برایشان به ارمغان آورد. خبرهای جنجالی در مورد کارلوس تروریست.

ربوده شدن آلدو مورو نخست وزیر ایتالیا و مارتین اشلایر رئیس اتحادیه کارفرمایان آلمان غربی و کشته شدن آنها توسط تروریست های بریگاد سرخ و بادرماینهوف. سفر جنجالی انورسادات رئیس جمهور وقت مصر به اسرائیل و بروز تنش و جنگ لفظی بین اعراب.

المپیک مونرال و جام جهانی آرژانتین.

برندگان جوایز اسکار و فستیوال ونیز...

در حالی که مردم جهان از نظرسنجی های انتخاباتی آمریکا، سرنوشت آلدومورو و روابط ستارگان هالیوودی مطلع می شدند خبر چندانی از جنایات و قساوتهای پل پوت و خمرهای سرخ در مورد کامبوجی ها، دریافت نمی کردند.

با سقوط پل پوت در آغاز سال ۱۹۷۹ کامبوج مصلوب شده به زندگی بازگشت و او با جنگجویان خون آشامش به نواحی مرزی تایلند گریختند. واکنش های جهانی نسبتاً عجیب

بود. شوروی از سقوط خمر سرخ استقبال ولی غرب در کنار چین کمونیست، تهاجم ویتنام و اشغال کامبوج را محکوم کرد (جنگ سرد مقتضیات خاص خود را داشت).
سیهانوک پادشاه مخلوع کامبوج که در دوران حکومت خمر سرخ در بازداشت خانگی، شاهد نابودی کشور و مردم و در هراس دائم از مرگ بود نیز ویتنام را محکوم کرد. پل پوت او را آزاد کرد و به نیویورک فرستاد تا شکایت علیه ویتنام را در سازمان ملل مطرح کند.
غرب و سیهانوک که نگفتند آلترناتیو آن ها برای نجات کامبوج چه بوده، علیه حکومت جدید پنوم پن وارد عمل شدند، چین هم حمایت کرد و سیهانوک رهبر ائتلافی شد که خمر سرخ، جناح عمده ای از آن بود.

جنگ چریکی ائتلاف، علیه دولت کامبوج سال ها ادامه یافت تا دهه پایانی قرن که دیگر خبری از جنگ سرد نبود و ویتنام نیز کامبوج را تخلیه کرده بود. با انجام مذاکرات صلح ائتلاف از هم پاشید، سیهانوک به کشور بازگشت و پادشاه نمادین شد. خمر سرخ که با مذاکرات صلح مخالف بود دچار انشعاب شد و عده زیادی از سران و جنگجویان آن خود را تسلیم حکومت کردند. پل پوت در ۱۹۹۸ مرد و آرامش کامل به کامبوج بازگشت.
مجازات سردمداران خمر سرخ قویاً مطرح شد و در سال های آغازین قرن بیست و یکم برخی از آن ها در دادگاه بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شدند.
در سال ۱۹۹۹، کوفی عنان، دبیر وقت سازمان ملل متحد، در گزارش خود به مجمع عمومی، تاکید کرد یکی از مهم ترین وظایف سازمان به ویژه شورای امنیت در آینده، مقابله قاطع با نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در هر نقطه از جهان است.
ابعاد گسترده جنایات بی سابقه خمرهای سرخ، که هنگام وقوع با اغماض جامعه بین المللی و ارگان هایی مثل سازمان ملل روبرو شد، دلیلی موجه برای ظهور این احساس مسئولیت پذیری جدید بود.

□□□

تا آن جا که من می دانم در مورد خمر سرخ تنها کتابی که به زبان فارسی منتشر شده کتابی است به نام کامبوج در جنگال / ابر قدرت ها نوشته حجت الاسلام احمد علی برهانی که در اسفند ۱۳۶۱ توسط واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی انتشار یافته است.
در آن زمان چهار سال از سقوط پل پوت گذشته بود و ویتنامی ها در کامبوج حضور داشتند. نویسنده محترم منابع اصلی مورد استفاده خود را چنین ذکر کرده است:

۱- جریان های بزرگ تاریخ معاصر نوشته ژاک پیرن (ترجمه رضا مشایخی)؛

۲- یک ویت کنگ یک میلیون دلار نوشته ژان لارنگی (ترجمه نجاتی)؛

۳- حقایقی در مورد کامپوچیا نوشته فاکالی یف؛

در کتاب به حوادث مهم سیاسی هندوچین پرداخته شده و همان گونه که عنوان آن نشان می دهد نویسنده عمدتاً بر نقش دولت آمریکا و سایر قدرت ها در بروز فجایع تأکید نموده است.

در قسمت هایی از کتاب آمده است:

«ویتنامی ها در همه جا حضور دارند و نیروهای دولت کامبوج بدون کمک مؤثر ویتنامی ها قادر به مقابله با جنگ چریکی خمر سرخ و حفظ امنیت نیستند... برخلاف گزارشات مطبوعات غربی، مردم کامبوج از حضور سربازان ویتنامی به عنوان ناجی خود استقبال می کنند، چون فقط با کمک آن ها توانسته اند از شر پل پوت راحت شوند. کارشناسان از سایر کشورها برای کمک آمده اند زیرا رژیم پل پوت همه کسانی را که می توانسته اند جامعه جدید را اداره کنند کشته است. یک کارشناس آمریکایی می گوید کامبوج به صلیب کشیده شده بود و اینک ما آمده ایم تا آن را دوباره زنده کنیم...»

کامبوجی ها مشکلات زیادی داشته اند و در مقایسه با وحشتی که در گذشته دیده اند خیلی فروتن و متواضع به نظر می آیند. آن ها برای هر کمکی که می گیرند حتی از یک متجاوز، عذرشان موجه است. یک راننده تاکسی در پنوم پن می گوید من فعلاً به غذا اهمیت می دهم. در آینده برای استقلال کشورم تلاش خواهم کرد...»

□□□

به جز کتاب کامبوج در جنگال/بر قدرت ها اثر دیگری در رابطه با کامبوج و به ویژه حوادث سال های اخیر آن و یافته های جدید در مورد جنایات خمر سرخ در ایران منتشر نشده است.

مطالب کتابی که در دست دارید عمدتاً از منابع خارجی موجود در اینترنت فراهم آمده، و هدف از تألیف این کتاب فقط این بوده است که علاقه مندان به حوادث سیاسی معاصر به تصویری نسبتاً کامل و جامع از حکومت پل پوت دسترسی داشته باشند. مسلماً در این اثر کاستی ها و نواقصی هست که مسئولیت آن ها با من است و امیدوارم با تذکر خوانندگان محترم آن ها را برطرف کنم.